

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

باورها و فرهنگ عامه در سندبادنامه*

دکتر نجمه دری

دانشیار دانشگاه هرمزگان

دکتر فرامرز خجسته

استادیار دانشگاه هرمزگان

گلستان پوره

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان

چکیده

سندبادنامه یکی از آثار ارزشمند متشور ادبیات فارسی در سده ششم هجری است. نفوذ این داستان در میان مردم ایران و بازنویسی‌های متعددی که از این اثر صورت گرفته است؛ باعث شده است که بسیاری از جلوه‌های فرهنگی و باورهای عامیانه در این اثر نفوذ کند. از جمله آن‌ها می‌توان به انواع مشاغل، آداب و رسوم، انواع علوم، میزان ارتباط علوم با باورها و اعتقادات مردم و چگونگی روابط افراد با یکدیگر، آداب و رسوم مربوط به انواع مختلف سفر و... اشاره کرد. همچنین نفوذ خرافات و باورهای عامیانه درباره مسایل دینی، جن و پری، قضا و قدر، چشم زخم، تعویذ و افسون، مسخ و دعا درمانی و... نیز در در لابه‌لای حکایات به تناسب موضوع دیده می‌شود. در این مقاله کوشش شده که با مطالعه حکایت‌های سندبادنامه جلوه‌های تأثیر باورها و فرهنگ عامه در این کتاب بررسی و ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: سندبادنامه، قرن ششم، فرهنگ عامه، ظهیری سمرقندی.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۲/۲۹

drdorri_3415@yahoo.com

framarz.khojaste@gmail.com

dorjedari@yahoo.com

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۱۰

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

۱- مقدمه

در متون مختلف، تعاریف متفاوتی از فرهنگ آمده است که از جمع بندی آنان می‌توان دریافت که فرهنگ عبارت است از: دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، افکار، عقاید و در یک جمله: «مجموعه میراث‌های معنوی یک قوم اعم از آنچه محصول عقل و ادراک یا زاده ذوق و عاطفه ایشان باشد» (محبوب؛ ۱۳۸۷: ۳۶). در درون مجموعه بزرگ فرهنگ هر ملت که به عنوان فرهنگ ملی عرضه می‌شود، مجموعه غنی دیگری را می‌توان جستجو کرد که فرهنگ عامه نام دارد و بیشتر منعکس کننده ابعاد مختلف و جنبه‌های زندگی اجتماعی اقشار فرودست جامعه است. «عناصر فرهنگ و ادب عامیانه با تغییراتی که در شکل ظاهری خود می‌گیرند، همواره در شاهکارهای ادبی تکرار می‌شوند و دستمایه آفرینش مضامین جدید را در اختیار شاعران و نویسندگان قرار می‌دهند» (صرفی؛ ۱۳۸۵: ۱۰۷). «در کتاب‌های نظم و نثر فارسی از روزگاران قدیم معتقدات، آداب و رسوم، سنت‌های عوام و افسانه‌های عامیانه‌ای که در داستان‌های تاریخی و حماسی به کار رفته است؛ به وفور دیده می‌شود... چنانکه با دقت و بررسی در شاهنامه فردوسی، تاریخ بلعمی، ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، تاریخ بیهقی و... نفوذ تأثیر این معتقدات و آداب و رسوم را به روشنی باز می‌یابیم» (انجوی شیرازی- ظریفیان؛ ۱۳۷۱: ۱۱ و ۱۲). سندبادنامه را نیز می‌توان در ردیف این آثار قرار داد. هر چند که اصل و منشأ کتاب نامشخص است؛ اما با مطالعه این کتاب که به زبان فارسی رایج در قرن ششم و از قلم یک نویسنده ایرانی سمرقندی نوشته شده است؛ می‌توان، نفوذ آداب و رسوم و باورهای ایرانی را به درون آن دریافت.

در این پژوهش شاخص‌های مرتبط با فرهنگ عوام که در کتاب سندبادنامه آمده استخراج و بررسی شده است. همچنین در صورت نیاز برای شرح برخی موارد فرهنگی یا باورها به منابع معتبر موجود مراجعه شده است.

۱-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

امروزه مطالعه در فرهنگ توده‌ها یکی از مهم‌ترین بخش‌های دانش‌هایی نظیر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تاریخی است و با نظر به اینکه متون ادبی با این علوم

پیوندی ناگسستی دارند؛ در این پژوهش کوشش شده سندبادنامه به عنوان یکی از آثار متأثر از فرهنگ عوام معرفی شود.

۱-۲- پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که بر روی سندبادنامه انجام شده، شامل پایان نامه‌هایی است که به شرح و توضیح لغات و اصطلاحات به کار رفته در آن پرداخته‌اند؛ از آن جمله، تنها کمیلی (۱۳۷۶)، علاوه بر شرح سندبادنامه به عنوان پایان نامه، در مقاله‌ای نقش زن را نیز در این کتاب بررسی کرده است؛ اما درباره دانش عوام در سندبادنامه تحقیقی صورت نگرفته است.

۲- بحث

۲-۱- سندبادنامه

در ادبیات فارسی، دو شخصیت با عنوان سندباد شهرت دارند. یکی «سندباد بحری» و دیگری «سندباد حکیم» که در هزار و یک‌شب به داستان هر دوی آنها اشاره شده است. اما اصل این داستان‌ها قدیمی‌تر از هزار و یک‌شب است و هر دو از داستان‌های مستقل قبل از اسلام بوده‌اند که در میان ایرانیان شهرت فراوان داشته‌اند (ستاری؛ ۱۳۸۲: ۱۱).

داستان «سفرهای سندباد بحری» شرحی از سفرهای هفت‌گانه اوست. «در آنجا سندباد، مردی است بازرگان و ماجراجوی که به استقبال خطر می‌رود... و با تحمل رنج این گونه سفرهای خطرناک به حشمت و نعمت می‌رسد» (محبوب؛ ۱۳۸۷: ۷۰۱).

سندباد دیگری که در ادبیات فارسی شهرت فراوانی یافته و در این پژوهش مورد نظر ماست، سندباد حکیم است. داستان سندباد حکیم از جمله داستان‌های کهن است که گوئی از هند باستان به زبان پهلوی برگردانده شده و در ادبیات پیش از اسلام شهرت فراوانی داشته است. «این داستان، همانندی‌هایی با ماجرای سودابه و سیاوش در شاهنامه و داستان زلیخا و یوسف در قرآن کریم دارد» (اکبری شلدره‌ای؛ ۱۳۸۲: ۳۸).

نسخه اصلی کتاب به زبان پهلوی بوده است و در قرن دوم هجری ابان ابن عبدالحمید ابن عفیر لاحقی (متوفی ۲۰۰ هـ ق)، شاعر و ناظم کلبله و دمنه به عربی، این کتاب را به نظم عربی در آورد (خطیبی؛ ۱۳۶۶: ۴۴۴). ابوالفوارس فناروزی در قرن چهارم هجری به دستور نوح ابن نصر سامانی آن را به پارسی ترجمه کرد و در قرن ششم هجری محمد ابن علی ظهیری سمرقندی آن را به نثر فنی بازنویسی و آرایش کرد.

تنها نسخه منثور فارسی که امروزه از سندبادنامه در دسترس است. سندبادنامه ظهیری سمرقندی است.

۲-۲- دانش عوام/فرهنگ عامه

«دانش عوام» در زبان فارسی معادل اصطلاح فولکلور است. «نخستین بار امبرواز مورتن در (۱۸۸۵م) آثار باستان و ادبیات توده را فولکلور (folk lore) نامید یعنی دانش عوام» (هدایت؛ ۱۳۸۵: ۲۳۳). مدت‌ها گذشت تا ترکیب مذکور جنبه بین‌المللی به خود گرفت. «در زبان فارسی، فولکلور را «فرهنگ عامه» و «فرهنگ عوام» و «دانش عوام» ترجمه کرده‌اند» (محبوب؛ ۱۳۸۷: ۳۵). یحیی آرین پور اصطلاح «توده‌شناسی» را برای فرهنگ عوام به کار می‌برد (آرین پور؛ ۱۳۷۶: ۴۴۵).

در ایران «در تعریف فلکلور، میان خود فلکلوریست‌ها از سویی و میان مردم‌شناسان و فلکلوریست‌ها از سویی دیگر اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای دامنه موضوعی و تحقیقی دانش فلکلور را خیلی وسیع می‌بینند و آن را مانند مردم‌شناسی شامل همه رفتارهای اجتماعی و فرهنگی عامه مردم می‌دانند... و شماری دیگر که تعدادشان اندک است، حوزه تحقیقی دانش فلکلور را به «ادبیات شفاهی» یا «ادبیات عامه» محدود می‌کنند» (بلوکباشی؛ ۱۳۷۷: ۱۱).

۲-۳- فرهنگ عامه در سندبادنامه

۲-۳-۱- علوم

۲-۳-۱-۱- علم طب

در حکایات سندبادنامه، حکیم به معنای پزشک آمده است که علاوه بر طبابت از علوم دیگری چون ستاره‌شناسی، فلسفه و... آگاهی دارد. سندباد، معلم

شاهزاده، حکیمی است که بر همه علوم مهم وقت اشراف دارد و دیگر حکیمان که از سراسر کشور دعوت می‌شوند نیز چنین شرایطی دارند.

- دعا درمانی: «در ایران باستان سه گروه پزشک و دامپزشک مشغول کار بودند؛ یکی گیاه پزشک که با داروهای گیاهی مردم را درمان می‌کرد؛ دیگری جراح (کارد پزشک)؛ و سومی دعا پزشک یا مغ شفا بخش...» (باقری خلیلی؛ ۱۳۸۲: ۳۵۱) در سندبادنامه نیز دعا جایگاه خاصی دارد. در ابتدای داستان، کوردیس برای این که خداوند به او فرزندی دهد تا جانشین صدق او باشد، دست به دعا و راز و نیاز بر می‌دارد. (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۳۱)

- تعویذ و افسون: «تعویذ یا حرز عبارت است از آن چه از عزایم و آیات قرآنی و جز آن نوشته، جهت حصول مقصود و دفع بلاها با خود دارند» (باقری خلیلی؛ ۱۳۸۲: ۳۵۲). اشاره به استفاده از تعویذ در ادبیات فارسی نمود بسیار دارد.

«ای دوست دست حافظ تعویذ چشم زخم است

یارب بینم آن را در گردنت حمائل» (حافظ؛ ۱۳۸۵: ۴۱۵)

در سندبادنامه هم اعتقاد به تعویذ و حزر به صورت بارزی در حکایات نمودار می‌شود: «پس دیگر روز بر شکل زاهده‌ای تعویذها و تسبیح‌ها برگرفت و عصا و رکوه به دست کرد و به خانه آن زن رفت» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۳۹).

راه‌های دفع چشم زخم: پیشینیان رنگ نیلی و کبود را بازدارنده آفت چشم بد می‌انگاشته‌اند... همچنین خواندن آیه ۵۱ از سوره‌ی قلم را دافع چشم زخم دانسته‌اند» (باقری خلیلی؛ ۱۳۸۲: ۳۴۹).

در سندبادنامه هم می‌خوانیم: «هر ساعتی حورا غالیه بر رویش می‌کشید و رضوان «وان یکاد» می‌خواند و بر وی می‌دمید.» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۳۱)

۲-۱-۳-۲- علم نجوم

«هزاران سال پیش، انسان ستارگان را خداوندان یا اهریمنانی می‌پنداشت که در سیر حوادث خاکی و زمینی و سرنوشت پادشاهان و بعدها انسان‌های دیگر نیز مداخله می‌کردند» (اوبلاکر؛ ۱۳۸۴: ۵۰). ایران، چین، یونان و هند جزء اولین سرزمین‌هایی بودند که به دانش ستاره‌شناسی توجه کرده‌اند و تحقیقات شگرفی در این زمینه انجام داده‌اند (ورجواند؛ ۱۳۶۶: ۹). در داستان «گنده پیر و مرد جوان

با زن بزاز» به اعتقاد عوام به نجوم عامیانه و تأثیر آن در سرنوشت و روابط اشاره می‌شود و زن برای بدست آوردن محبت مجدد همسرش به سراغ منجم و حکیم می‌رود. (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۷۳)

- پیشگویی و طالع بینی: در سندبادنامه اساس حوادث داستان با پیشگویی و طالع بینی پیوند دارد و تمام اتفاقاتی که در داستان اصلی رخ می‌دهد، اتفاقاتی است که قبلاً پیشگویی شده است. کوردیس هنگام تولد شاهزاده ابتدا منجمان را فرا می‌خواند تا از طالع شاهزاده خبر دهند. (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۳۲)

۲-۳-۲- شغل‌های عامیانه

از مهم‌ترین شغل‌های عامیانه، واسطه‌گری است. در بسیاری از حکایات به این شغل اشاره می‌شود که کار اصلی گنده پیران است و آن‌ها در قبال این کار مزد می‌گیرند. (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۱۵)

بقال، گازر، کفشگر و بزاز، از دیگر شغل‌هایی هستند که مخصوص طبقه‌ی عامه هستند و گاهی با این‌که از نظر اقتصادی از وضع خوبی برخوردارند مثل بزاز و بقال؛ اما اکثراً ساده‌ زندگی می‌کنند. گازر و کفشگر ثروت زیادی ندارند و برای گذراندن امور خود تلاش می‌کنند و از فرهنگ والائی برخوردار نیستند (همان: ۲۲۷، ۱۰۹، ۸۴، ۹۵).

۲-۳-۳- عادت‌های عامیانه در خانواده

- برتری مرد بر زن: مردها چهره‌ای خاموش و مظلوم دارند. از آن‌ها هیچ انتقادی نمی‌شود، همیشه محترم و برترند، مقام‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختص آن‌هاست (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۱۳). اما زن از جایگاه بالای اجتماعی برخوردار نیست و در بیشتر حکایات موجودی شرور و منفی است و به شدت تحقیر و بر مکر و بی‌وفائی او تأکید می‌شود (همان: ۶۳ و ۵۰).

- دشمنی خسرو با زن پسر: «پسر گفت: راست گفته‌اند که دشمنی خسرو با زن پسر چون دشمنی موش و گربه است، که هیچ وقت از یکدیگر ایمن نتوانند بود» (همان: ۱۵۴).

- نفوذ گنده پیران در خانواده: «گنده پیر ساعتی توقف کرد. چندان که خسرو سیارگان از سمت رؤوس مایل شد، جامه برگرفت و به خانه بزاز رفت و بر زن سلام کرد و گرم پیرسید (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۷۱).

۲-۳-۴- شیوه های برقراری از تباط

رقعه نوشتن: «کدبانوی خانه به معشوقه رقعہ بنوشت و به مدد مداد اشتیاق حکایت شکایت درد فراق شرح کرد» (همان: ۶۴).

هدیه آوردن: «گفت از صورت نامه چیزی به کف نیامد، از نقش خامه به نقد و جامه نقل باید کرد» (همان: ۱۳۵).

واسطه‌گری: در دو داستان «گنده پیر، مرد جوان با زن بزاز» و «عاشق و گنده پیر و سگ گریان» چاره‌گری گنده‌پیر سبب وصال عاشق و معشوق می‌شود (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۳۷ و ۱۷۱).

اشاره با چشم و ابرو و کرشمه: «زن تبسمی کرد و از سر آن سخن درگذشت و آغاز نهاد به دنبال چشم نگریستن و کرشمه و غمزه کردن...» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۹۰).

به رمز سخن گفتن: «معشوقه بر بام کاخ ایستاده بود، چشم بر عاشق افکند، سر بجنبانید و دست بر گردن و گوش و سینه بمالید و از بام به زیر آمد (همان: ۱۵۳).

۲-۳-۵- سفر

سفر از ضروریاتی است که در حکایات سندبادنامه بارها پیش می‌آید. از مهم‌ترین ویژگی تمام سفرها در حکایات سندبادنامه این است که بیشتر آنها با نوعی خیانت و فریب همراهند؛ «کبک نر با ماده» از آن نمونه است.

۱) تجارت مهم‌ترین نوع مسافرت است (همان: ۱۱۳). انواع دیگر سفر عبارتند از: ۲) سفرهای تفریحی (همان: ۱۰۱)، ۳) مهاجرت مانند «زن و گوسفند و پیلان و حمدونگان» (همان: ۸۸)، ۴) سفرهای دیپلماتیک (همان: ۱۷۹) و ۵) علم آموزی در داستان مردی که مکر زنان جمع می‌کرد (همان: ۱۸۸).

۲-۳-۶- غذاها

گرده: «نوعی نان غیر تنک باشد» (خلف داد تبریزی؛ ۱۳۶۲: ۱۷۹۲). «و با ایشان از وجه زاد و توشه گرده‌ای بیش نبود» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۳۷).

کلیچه: «به فتح اول و جیم، به فارسی کلید چوبین را گویند که بدان در را بگشایند و به ضم اول، نان کوچک روغنی باشد.» (خلف داد تبریزی؛ ۱۳۶۲: ۱۶۸۷) در اثنای نظر، کنیزکی دید بر طرف دکانی با لباسی پاکیزه، بردست طبقی نظیف و دستاری لطیف، از آرد میده و روغن و انگبین، کلیچه پخته و از بهر خریدار برسر بازار نهاده» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۴۹-۱۵۰)

گرنج: این واژه در سندبادنامه گرنج خوانده شده ولی در لغت نامه دهخدا گرنج ضبط شده است و ذیل آن آمده است: «برنج خوردنی که به عربی «الرز» خوانند (الفاظ الادویه) و به هندوی چاول گویند.» (دهخدا؛ ۱۳۷۳: ۱۶۸۵۸)

در سندبادنامه در داستان‌های مختلف از این غذا یاد می‌شود که اطلاعات بیشتری از کم و کیف آن بدست می‌دهد. «در آی تا شکر دهم ترا، چه گرنج بی شکر طعام ناتمام بود و غذای نامتعادل باشد» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۹۵).

۲-۴ - باورها و اعتقادات

۲-۴-۱- اعتقاد به جهان آخرت

«چندین هزار سال حکما و عقلا و فضلا رای‌های صایب گماردند و تدبیرهای ثاقب در کار داشتند تا جراحت شمشیر ملک الموت را سپری سازند که ضربت او بدان مدفوع شود و شربت زهر قهر را تریاکی کنند که ضرر او بدان مرفوع گردانند در حیّز تیسیر نیامد و در مکان امکان نگنجید» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۲۱).

۲-۴-۲ - باورهای دینی

نذر: در لغت به معنی وعده خیر یا شربّه کسی دادن و از نظر شرعی فقط وعده خیر است» (شریبینی، ۱۴۲۴: ۴۴۸).

« چون آن میوه از شکوفه‌ی وجود بیرون آمد... شاه به ایفای نذور و اتمام سرور، نعمت‌های فاخر و مال‌های وافر در خیرات صرف کرد.» (همان: ۳۲)

نافله و تطوّع: «نفل در لغت به معنی زیادت و در اصطلاح به غیر از فرایض گفته می‌شود؛ چون اضافه است بر آن چه خدا فرض کرده است. مترادف سنت، مندب، مستحب» (شریبینی، ۱۴۲۴: ۳۰۱).

تطوع «در لغت به معنی انجام دادن کار به میل خود و بدون اجبار است و در اصطلاح فقها عبارت است از تلاش برای هر چه بیشتر نزدیک شدن به رحمت خداوند مهربان به سبب انجام دادن کارهای غیر واجب بعد از انجام فرایض، مانند نماز و روزه و حج غیر واجب و صدقات و احسان» (ربیعی؛ ۱۳۷۰: ۲۲۵)

«هر ساعت به طاعت مشغول شدی و نافله و تطوعی برآوردی» (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۳۹).

۲-۴-۳- موجودات خیالی و افسانه ای

در سندبادنامه، داستان‌هایی است که به ویژگی جنیان و پریان و چگونگی رابطه‌ی آنها با انسان‌ها پرداخته‌اند. در این کتاب، واژه‌های پری، جن، عفريت، شیطان، دیو و غول تقریباً به یک معنی به کار رفته‌اند.

در داستان «پری و زاهد و زن» ابتدا نیروی غیبی که به زاهد امداد می‌رساند پری خوانده می‌شود؛ اما در ادامه داستان این پری جن خطاب می‌شود (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۶۳ و ۱۶۴). در داستان «شاهزاده با وزیر و غولان» نیز از همین موجود خیالی غول یاد می‌شود و در ادامه به شیطان مرید تبدیل می‌شود. مسعودی در «مروج الذهب» نیز همگی آنها را یکجا می‌آورد و می‌نویسد: «کسان را درباره غول و شیطان و مار و جن و قطرب و غدار سخن بسیار است... غدار یک نوع شیطان است و بدین نام معروف است» (مسعودی؛ ۱۳۸۷: ۵۱۲).

در «فرهنگ اساطیر» آمده است: «پری موجودی است موهوم، افسانه ای و زیبا و دلپذیر؛ ... با چشم دیده نمی‌شود و با زیبایی فوق العاده‌اش آدمی را می‌فریبد» (یا حقی؛ ۱۳۸۶: ۲۴۴). در تفسیر نور، پری مترادف جن گرفته شده است (خرم دل؛ ۱۳۷۴: ۶۹۳).

این موجودات خیالی در سندبادنامه بیشتر شبیه انسان توصیف می‌شوند و اختیارات زیادی ندارند (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۰۱).

در داستان «پری و زاهد و زن» توصیفی مبنی بر شکل غیر طبیعی جن وجود ندارد؛ مانند انسان‌ها سفر می‌کند و ممکن است سفر او مدت‌ها طول بکشد؛ حتی این قدرت را ندارد که هر وقت اراده کند خارج از محدوده‌ی مکان به هر جا بخواهد سفر کند (همان؛ ۱۶۳).

در قرآن به این قدرت جنیان اشاره می‌شود؛ در داستان حضرت سلیمان، جنیان در خدمت سلیمان(ع) بودند و کارهائی را که از حد توان بشری خارج بود، انجام می‌دادند (قرآن کریم؛ ۲۷: ۳۹).

در یکی از حکایت‌ها قهرمان داستان با جنی می‌جنگد و او را مجروح می‌کند تا دختر پادشاه را نجات دهد. در جای دیگر، هنگامی که شاهزاده خود را در چنگال غول می‌بیند به راهنمائی خود کنیزک، نام خداوند را بر زبان می‌آورد و از دست او نجات پیدا می‌کند (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۰۵). که این روش یادآور دفع شیطان و رهائی از شر اوست که در اینجا پری را به شیطان نزدیک می‌کند.

۲-۴-۴- طلسم

در لغت نامه دهخدا، ذیل واژه طلسم آمده است: «دستگاهی به علم حیل کرده (از یونانی طلسم) آنچه خیال‌های موهوم به شکل عجیب در نظر آرند و نیز شکلی و صورتی عجیب که بر سر دفائن و خزاین تعبیه کنند (دهخدا؛ ۱۳۷۳: ۱۳۶۷۹).

در سندبادنامه طلسم به معنی حيله و نیرنگ به کار می‌رود. وزیر چهارم کار کننده پیر را طلسم می‌داند (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۳۰).

۲-۴-۵- قضا و قدر

قضا و قدر، مفهومی رایج است که در سراسر ادبیات فارسی نمودار است. «قضا به معنی حکم قطع و فیصله دادن است... قدر به معنی اندازه و تعیین است... حوادث جهان از آن جهت که وقوع آنها در علم و مشیت الهی قطعیت و تحکم یافته است، مقتضی به قضاء الهی می‌باشند و از آن جهت که حدود و ابزار و موقعیت مکانی و زمانی آنها تعیین شده است، مقدر الهی می‌باشد» (مطهری؛ ۱۳۶۰: ۴۳). در سندبادنامه، قضا و قدر اساس داستان را تشکیل می‌دهند و هر حادثه‌ای که رخ می‌دهد، مقدر الهی تلقی می‌شود. به طور کلی سه نوع نگاه به قضا و قدر در سندبادنامه وجود دارد. الف) تقدیر مخالف تدبیر است: (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۴۱) ب) بودن خواه بود: (همان: ۱۹۵) ج) بلا مساوی تقدیر است: (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۰۹ و ۱۱۰) «موجودات را از قضا و قدر حذر

نتواند بود و چون آفتاب هر کجا رود بلا و محنت چون سایه ملازم او بود و تقدیر سابق، لاحق و متابع او باشد. « (همان: ۲۲۳)

۲-۴-۶- مسخ

«صورت بر گردانیدن و بدتر کردن، تبدیل کردن صورت کسی به صورت زشت تر... در اصطلاح حکما انتقال نفس ناطقه است از بدن آدمی به بدن حیوان دیگر که در پاره‌ای از اوصاف با آدمی متناسب باشد. و از آن اقسام تناسخ است» (دهخدا؛ ۱۳۷۳: ۱۸۴۲۶ و ۱۸۴۲۷). در سندبادنامه نیز مسخ با چنین مفاهیمی استفاده می‌شود. در داستان «عاشق و گنده پیر و سگ گریان» نیز گنده پیر ادعا می‌کند که دختر امیر به حالت سگی مسخ شده است و زن جوان از شدت اعتقاد به این مسئله ادعای گنده پیر را می‌پذیرد و تن به خواسته عاشق می‌دهد (ظهیری سمرقندی؛ ۱۳۸۱: ۱۴۱).

۳- نتیجه گیری

نفوذ عقاید و آداب و افکار مردم عامه در سندبادنامه باعث شهرت و محبوبیت این اثر در طی قرن‌ها شده است. اعتقاد به وجود موجودات افسانه‌ای و خیالی، طلسم، قضا و قدر، مسخ، پیشگویی و طالع بینی، دعا درمانی، تعویذ و افسون، روش‌های عامیانه برای دفع چشم زخم و همچنین اعتقاد به جهان آخرت و پذیرش مرگ از مهمترین دیدگاه‌هایی است که در کتاب مطرح می‌شود. ترویج و اشاعه اندیشه‌های دینی اسلامی یکی از اهداف نویسنده از نوشتن کتاب است، اما همراه با آن برخی از باورهای عامیانه و خرافی نیز مطرح می‌شود.

فهرست منابع

الف (کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. آرین پور، یحیی. (۱۳۷۶)، *از نیما تا روزگار ما*، تهران: زوار.
۳. اکبری شلدردی، فریدون. (۱۳۸۲)، *راویان آثار*، تهران: چشمه.

۴. باقری خلیلی، علی اکبر. (۱۳۸۲)، **فرهنگ اصطلاحات طبی در ادب فارسی**، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
 ۵. حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۸۵)، **دیوان حافظ** (به کوشش خلیل خطیب رهبر)، تهران: صفیعلیشاه.
 ۶. خرم دل، مصطفی. (۱۳۷۴)، **تفسیر نور**، تهران: هدف.
 ۷. خطیبی، حسین. (۱۳۶۶)، **فن نثر در ادب پارسی**، تهران: زوار.
 ۸. خلف داد تبریزی، محمد حسین. (۱۳۶۲)، **برهان قاطع**، تهران: امیر کبیر.
 ۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳)، **لغت نامه**، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۱۰. ربیعی، محمد. (۱۳۷۰)، **باقیات الصالحات**، کرمانشاه: مسجد جامع شافعی.
 ۱۱. ستاری، جلال. (۱۳۸۲)، **پژوهشی در حکایات سندباد بحری**، تهران: مرکز.
 ۱۲. شاردن، شوالیه. (۱۳۷۴)، **سفرنامه**، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
 ۱۳. ظهیری سمرقندی. (۱۳۸۱)، **سندبادنامه**، تصحیح محمد باقر کمال الدینی، تهران: میراث مکتوب.
 ۱۴. محجوب، محمد جعفر. (۱۳۸۷)، **ادبیات عامیانه ایران** (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری)، تهران: چشمه.
 ۱۵. مسعودی، علی ابن حسین. (۱۳۸۷)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، مترجم ابوالقاسم پاینده؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۰)، **انسان و سرنوشت**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۷. هدایت، صادق. (۱۳۸۵)، **فرهنگ عامیانه مردم ایران**، تهران: چشمه.
 ۱۸. ورجاوند، پرویز. (۱۳۶۶)، **کاوش رصد خانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره شناسی در ایران**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
 ۱۹. یاحقی؛ محمد جعفر. (۱۳۸۶)، **فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها**، تهران: معاصر.
- ب) مقالات و پایان‌نامه**
۲۰. صرفی، محمدرضا. (۱۳۸۵)، **موجودات ماوراء طبیعی در خمسه نظامی**، مجله مطالعات ایرانی، ش ۱۱.
 ۲۱. کمیلی، مختار. (۱۳۷۶)، **شرح سندبادنامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه شیراز.